مژگان سجادی ۱*

دکتر سعید سرابیان ۲

دکتر پرویز شریفی درآمدی ۳

۱- کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود

۲- استادیار گروه روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه پیام نور مرکز مشهد

۳- دانشیار گروه کودکان استثنائی، دانشگاه علامه طباطبائی

*** نشانی نویسنده مسؤول:** تهران، نیاوران، منظریه ۲، پلاک ۲۰

تلفن: ۰۲۱-۲۶۱۳۱۳۴۵

نشانی الکترونیکی:

mozhgansajadi@yahoo.com

مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۳۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲: ۲۹۸-۳۰۶

• **مقاله تحقیقی کد مقاله: ۳۰**

مقایسه پرخاشگری نوجوانان بر اساس[۱] سبک‌های فرزند پروری والدین و سبک‌های دلبستگی والد- فرزند

چکیده

[۱] - پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

زمینه: پرخاشگری از جمله پدیده‌های نابهنجار دوره نوجوانی است که از شیوع قابل توجهی برخوردار است. از این رو، این پدیده به عنوان یک موضوع مهم در مطالعات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است. بروز رفتار پرخاشگری در کودک و نوجوانان، همچون دیگر رفتارهای نابهنجار در این سنین، تأثیر بسزایی را از خانواده، والدین و شیوه‌های تربیتی و ارتباطی می‌پذیرد.

هدف: هدف اصلی این پژوهش، مقایسه میزان و نوع پرخاشگری در نوجوانان براساس سبک فرزند پروری والدین و سبک دلبستگی والد- فرزند است.

روش کار: در این مطالعه مقطعی، ۱۳۱ نوجوان ۱۴-۱۳ ساله (دختر و پسر) در مدارس شهر تهران به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به دو گروه بهنجار با ۸۸ نفر و۶۷/۲٪ و نابهنجار (پرخاشگر) با ۴۳ نفر و ۳۲/۸٪ به گزارش مربیان مدرسه تقسیم شده و توسط پرسشنامه‌های پرخاشگری آرنلد.اچ.باس (۱۹۹۲) و دلبستگی هازان و شیور (۱۹۸۷)، و والدینشان نیز، با پرسشنامه فرزند پروری بامریند (۱۹۷۱) مورد آزمون قرار گرفتند. داده‌ها، با آزمون‌های Chi-squre و ANOVA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: رابطه معنی‌داری بین بروز نوع پرخاشگری (برون‌ریزی شده و درون‌ریزی شده) با سبک‌های فرزند پروری و نیز، با سبک‌های دلبستگی به دست آمد (P <۰/۰۰۱ و P<۰/۰۰۱)، و اما رابطه معنی‌داری بین میزان پرخاشگری و شیوه‌های فرزند پروری به دست نیامد (P< ۰/۱۰). میانگین میزان پرخاشگری در سبک‌های فرزند پروری استبدادی، سهل‌گیرانه و مقتدرانه به ترتیب برابر با: ۸۳/۹۲، ۸۴/۷۳، ۷۵/۶۵ و انحراف معیار برای آن‌ها به ترتیب ۲۱/۷۸، ۱۳/۰۹، ۱۷/۸۲ و فراوانی نسبی ۹/۹، ۸/۴، ۸۱/۷ به دست آمد. میانگین میزان پرخاشگری در سبک‌های دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی به ترتیب برابر با: ۷۴/۷۲، ۸۱/۰۲، ۸۱/۸۷ و انحراف معیار برای این سبک‌ها به ترتیب ۱۷/۹۹، ۱۷/۲۲، ۱۹/۲۲ و با فراوانی نسبی ۶۱/۸، ۲۶، ۱۲/۲ محاسبه شد.

نتیجه‌گیری: این پژوهش تأثیر سبک-های فرزند پروری والدین و سبک-های دلبستگی والد- فرزند را بر بروز نوع پرخاشگری نوجوانان تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، نوجوانان، شیوه‌های فرزند پروری، شیوه‌های دلبستگی

مقدمه

دوره نوجوانی از زمان‌های بسیار قدیم تاکنون یکی از مهم‌ترین دوران زندگی انسان به شمار می‌رفته و نقش خانواده در این دوران حائز اهمیت است. کارکردهای ناسالم خانواده می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای نابهنجار نوجوان شود. بررسی مواضع بحرانی نوجوان (وابستگی/ جستجوی خودمختاری، همانندسازی/ متفاوت‌سازی، جدایی/ فردیت) نشان می‌دهد که تعامل‌های پیشین والد- نوجوان بر بروز رفتارهای پرخاشگرانه کنونی نوجوان مؤثر است (جویس مسترسون، ۱۹۷۲ [۱]، ریموند کَن، ۱۹۸۷، فیلیپ ژمه، ۲۰۰۱، پیتر بلوس، ۲۰۰۲، به نقل از سرابیان، سعید۲۰۱۲ [۲]). تجارب اولیه نوجوان، سازنده شخصیت و رفتار بعدی وی است. به گونه‌ای که ریشه بسیاری از انحرافات شخصیتی و بیماری‌های روانی را در تربیت نخستین نوجوان باید جستجو کرد (ماسن، کاگان، هوستن، کانجر ،ترجمه مهشید یاسایی۱۳۸۰) [۳].

طبق نتیجه تزِ دکترای سعید سرابیان، پرخاشگری نوجوانان با اختلالات رفتاری، ناشی از موارد ذیل می‌باشد: تعاملات تقویت‌کننده وابستگی از جانب مادر، فقدان اقتدار پدر و وجود مشکلات روانی در نزد والدین.

پرخاشگری می‌تواند از جمله پدیده‌های نابهنجار دوره نوجوانی قلمداد شود که از شیوع قابل توجهی برخوردار است. از این‌رو این پدیده به عنوان یک موضوع مهم در مطالعات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار دارد. بروز رفتار پرخاشگری در کودک و نوجوان، تأثیر به سزایی از خانواده، از جمله والدین و شیوه‌های تربیتی و ارتباطی آنها می‌پذیرد.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

در فرهنگ فارسی، پرخاشگری به هر گونه رفتار معطوف به هدف آسیب‌رساندن یا مجروح ساختن موجود دیگر که به منظور اجتناب از رفتاری مشابه برانگیخته می‌شود، اطلاق می‌گردد.

باس (۱۹۶۱) در تعریفی کلاسیک از پرخاشگری، آن را «واکنشی با هدف آسیب‌رساندن به جاندار دیگر» توصیف می‌کند. با وجود این صاحب‌نظران تعریف کاملاً رفتارگرایانه باس را از جهاتی بسیار کلی می‌دانند. زیرا این تعریف از یک‌سو بسیاری از رفتارهایی که پرخاشگری نامیده نمی‌شوند را نیز دربرمی‌گیرد و از سوی دیگر تعریف جامعی نیست، زیرا مثلاً هیچ یک از فرایندهای غیررفتاری، نظیر افکار و احساسات را شامل نمی‌شود. پس از این تعریف چند معیار رفتاری دیگر به منظور دست یافتن به تعریفی متعادل‌تر ارائه شد (تدشی و فلسون، ۱۹۹۴). اگر بخواهیم رفتار کسی را پرخاشگرانه بنامیم، آن رفتار باید به قصد وارد کردن پیامدهایی بر طرف مقابل انجام شود، که به نوبه خود این انتظار را به وجود می‌آورد که این رفتار نتیجه‌ای به دنبال خواهد داشت. تأکید بر قصد آسیب‌زدن سبب می‌شود که رفتارهایی چون کمک نکردن به یک فرد نیازمند نیز در زمره رفتارهای پرخاشگرانه قرار گیرد. یکی دیگر از ملاک‌های رفتارهای پرخاشگرانه، تمایل هدف به اجتناب از آسیب‌دیدگی است. بارون و ریچاردسون (۱۹۹۴) با در نظر گرفتن مواردی که گفته شد، تعریف دقیقی از پرخاشگری ارائه کردند. به نظر آنها واژه پرخاشگری را زمانی به کار می‌بریم که «رفتاری با هدف صدمه‌زدن یا آسیب‌رساندن به موجود زنده‌ای که سعی دارد از چنین آسیبی اجتناب کند، بروز نماید».

پرخاشگری در این پژوهش ترجیحاً از حیث برون‌ریزی شده و درون‌ریزی شده نگریسته می‌شود. که از منظر آخنباخ و اِدلبروک (۱۹۷۷)، نوع برون‌ریزی شده، پرخاشگری فرد را معطوف به دیگران می‌کند و با شیوه‌های مختلف چون فیزیکی، کلامی و ابزاری آشکار شود. اما در نوع درون‌ریزی شده، پرخاشگری معطوف به خود فرد است. این نوع اخیر از پرخاشگری اغلب به دنبال اضطراب، افسردگی و یا حتی با پیامدهایی چون زخم معده و یا ناراحتی‌های قلبی آشکار می‌شود (الیس، ۱۹۹۸) [۴]. اغلب پرخاشگری-های درون‌ریزی شده، سطح پایین-تری از میزان پرخاشگری را به خود اختصاص می‌دهند.

شیوه‌های پرورش فرزند بر بسیاری از جنبه‌های روان‌شناختی، از جمله رشد روان‌شناختی و سازگاری اجتماعی، اعتماد به نفس و حتی مشکلات رفتاری نوجوان تأثیر می‌گذارد (بلانتین، ۲۰۰۱). رفتارها، اعتقادات و آداب ورسوم والدین در برخورد با فرزندان و شیوه‌های تربیتی آنها، اغلب از اصول و چارچوبی تکراری و نسبتاً پایدار پیروی می‌کنند، که از آن با نام سبک-های فرزند پروری والدین یاد می‌شود. بیشتر محققانی که در این زمینه تلاش کرده‌اند و سعی کرده‌اند که نقش فرزند پروری را توصیف کنند، بر مفهوم سبک فرزند پروری دیانا بایمریند تکیه کرده‌اند: که دال بر تلاش‌های والدینی برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندانشان است (بایمریند، ۱۹۷۱) [۵].

عامل دیگر که بر رفتار نوجوان تأثیر می‌گذارد، تعامل-های میان والدین و فرزندانشان است که آن را اساس تحول عاطفی می‌دانند (فروید، ۱۹۶۹، بالبی، ۱۹۶۱، به نقل از مهرابی‌زاده، ۱۳۷۹) [۶]، که از آن با نام سبک-های دلبستگی استفاده می‌شود. بالبی (۱۹۶۹) [۷] ضمن تأکید بر اهمیت این تعامل، خاطر نشان می‌کند که آنچه برای سلامت روانی کودک ضرورت دارد، امکان تجربه یک رابطه صمیمی، گرم و مداوم با والدین، یا مراقب و جانشین دائم او می‌باشد. بنابر نظر وی، بسیاری از اَشکال روان آزردگی و اختلال شخصیت، حاصل محرومیت کودک از مراقبت-های والدینی یا عدم ثبات در روابط کودک با فردی است که به او دلبستگی دارد (ترو، ۲۰۰۱، کرنل، ۲۰۰۸). بر همین اساس، می‌توان گفت که ضعف در دلبستگی کودک، مشکلات رفتاری بعدی او را پیش‌بینی می‌کند، به عبارتی دیگر، تحول اولیه دلبستگی کودک در تحول هیجانی-اجتماعی آتی او نقش مهمی دارد (خانجانی،۱۳۸۴) [۸].

مطالعه مبانی فوق‌الذکر، ما را به بررسی این مسئله می‌کشاند که سبک-های ارتباطی والدین با فرزندان مانند دلبستگی و فرزند پروری، در دوران کودکی و نوجوانی، ممکن است یک پیش‌بینی‌کننده و یا یک همبسته مرتبط با ناسازگاری‌های رفتاری بعدی (همچون پرخاشگری) باشد. پژوهش حاضر درصدد است تا نقش و تأثیر این سبک-ها را بر پرخاشگری نوجوانان بررسی کند. بنا به نظر روبین (۱۹۹۱) [۹] و همچنین کاسیدی و بِرلین (۱۹۹۵) [۱۰] در چارچوب دو شکل از دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دو سویه)، آیا وجود یک ارتباط خطی بین اختلالات برون‌ریزی شده (فزون کنشی و اختلالات رفتاری) با دلبستگی اجتنابی و درون ریزی شده (افسردگی و اضطراب) با دلبستگی دو سویه تأیید می‌شود یا خیر؟ و آیا بنا به، پژوهش‌های متعددی نظیر، بامریند (۱۹۶۷)، جرالد پترسون و همکاران

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

(۱۹۸۰) [۱۱] و بیابانگرد (۱۳۷۸) [۱۲]، فرزند پروری‌هایی که با فقدان کنترل و سطوح بالایی از کنترل همراه‌اند، نظیر فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه، با اختلالات رفتاری، ناسازگاری و سطوح بالاتری از پرخاشگری همراه است یا خیر؟

روش کار

در پژوهش حاضر، که مطالعه‌ای مقطعی است، از روش میدانی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش از نوجوانان ۱۴ ساله و والدین آنها که در شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ به سر می‌برند تشکیل شده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده گردید. یعنی در مرحله اول، از بین مناطق بیست‌گانه شهر تهران، ۴ منطقه (۱،۴،۸،۱۳) به طور تصادفی انتخاب شده و در مرحله دوم از هر منطقه انتخاب شده، یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه، جمعاً ۸ مدرسه به طور تصادفی انتخاب گردید و سپس در مرحله سوم، از هر مدرسه ۲۵ دانش‌آموز، جمعاً ۲۰۰ دانش‌آموز (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) به طور تصادفی انتخاب و وارد مطالعه شدند و از بین آزمودنی‌های وارد شده به پژوهش ۶۹ نفر از افراد که پرسشنامه‌های خود را پر نکرده و یا تحویل نداده بودند از پژوهش خارج شدند.

آزمودنی‌ها ابتدا توسط گزارش مربیان و معاونین مدرسه، اطلاعاتی راجع به وجود اضطراب و افسردگی (از مصادیق پرخاشگری درون‌ریزی شده است) در نزد برخی از نوجوانان و نیز وجود پرخاشگری-های کلامی، فیزیکی و اختلالات رفتاری (از مصادیق پرخاشگری برون‌ریزی شده است) به دست آمد. آزمودنی‌ها، به دوگروه: ۱- بهنجار ۲- پرخاشگر (درون‌ریز و برون‌ریز) تقسیم شدند. و سپس، ابزار اندازه‌گیری که پرسشنامه‌های دلبستگی هازان و شیور، پرخاشگری آرنلد. اچ. باس و فرزند پروری دیانا باومریند می‌باشد، توزیع و جمع‌آوری شد. بدین صورت که پرسشنامه دلبستگی هازان وشیور و پرسشنامه پرخاشگری آرنلد.اچ.باس بین دانش‌آموزان و پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند بین والدین یا جانشین والدین توزیع و پس از یک‌هفته جمع‌آوری گردید که در زمان جمع‌آوری با ریزش هایی همراه بوده و ۶۹ دانش‌آموز دختر و ۶۲ دانش‌آموز پسر، جمعاً ۱۳۱ آزمودنی به دست آمد و در نهایت مورد بررسی و تحلیل‌های آماری قرار گرفت.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه پرخاشگری آرلند اچ. باس و مارک پری [۱۳]

پرسشنامه پرخاشگری، پالایش شده پرسشنامه خصومت است که بیش از سی سال قبل توسط آرلند.اچ.باس تهیه شده و کاربرد وسیعی داشته است. پرسشنامه پرخاشگری از یک خزانه پنجاه و دو سؤالی استخراج شده که بسیاری از آنها، از پرسشنامه خصومت با استفاده از روش تحلیل عاملی مؤلفه اصلی و تحلیل عاملی تأییدی برگزیده شده است. این پرسشنامه، دارای ۲۹ سوال است و نمره کل، عبارت است از مجموع نمرات کل سؤالات است و دامنه آن بین ۲۹ تا ۱۴۵ قرار گرفته است. در ضمن، هنگام شمارش نمرات سؤالات ۲۴ و ۲۹ به طور معکوس محاسبه می‌شود. نمرات بالا، نشانه وجود پرخاشگری زیاد است. الگوی پاسخدهی به سؤالات از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند. این پرسشنامه از همسانی درونی بسیار خوبی برخوردار است. ضریب آلفای کل نمرات پرسشنامه ۰/۸۹ و اعتبار باز آزمایی آن ۰/۸۰ به دست آمده است. پرسشنامه پرخاشگری، یک ابزار باثبات با اعتبار بازآزمایی خوب است (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۸).

۲- پرسشنامه سبک-های فرزند پروری دیانا بامریند [۱۴]

این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط دیانا بامریند طراحی شده، و شامل ۳۰ جمله است، که ۱۰ جمله آن مربوط به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه مقتدرانه اختصاص دارد. الگوی پاسخگویی به سؤال‌ها، از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند. با جمع سؤالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می‌آید. پرسشنامه دیانا بامریند در تحقیقات متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن به دست آمده است.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

بوری (۱۹۹۱)، پایایی پرسشنامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در گروه مادران برای شیوه‌های سهل‌گیر، استبدادی و مقتدرانه، به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۶، ۰/۷۸ و برای پدران به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۵، ۰/۸۸ گزارش نمود. اسفندیاری (۱۳۷۴) نیز، بر اساس روش بازآزمایی، پایایی آزمون را بر روی یک گروه ۱۲ نفری از مادران و با فاصله زمانی یک هفته برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه، به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۷، ۰/۷۳ گزارش نمود. روایی محتوای آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تأیید قرار گرفت.

۳- پرسشنامه سبک-های دلبستگی هازن و شیور [۱۵]

این پرسشنامه شامل ۱۵ عبارت است که به هر یک از شیوه‌های دلبستگی (ایمن، دوسوگرا و اجتنابی)، ۵ گویه تعلق می‌گیرد. نمره هر سبک دلبستگی با میانگین سؤالات مربوط به آن معلوم می‌شود. بدین صورت که برای تعیین سبک دلبستگی هر فرد، ارزش‌های عددی گویه‌های هر سطح با یکدیگر جمع و تقسیم بر ۵ می‌شوند. الگوی پاسخدهی به سؤالات، ۵ درجه‌ای می‌باشد. تحلیل عامل پرسشنامه هازن وشیور (۱۹۸۷) توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) [۱۶] به استخراج سه عامل عمده دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا منجر شد، که توسط پژوهشگران به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط صمیمی و نزدیک تفسیر می‌شود. هازان و شیور پایایی بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند. کولینز و رید هم پایایی بالایی با آلفای کرونباخ (۰/۷۹) در مورد این ابزار به دست آوردند. پایایی آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش رحیمیان بوگر و همکاران (۱۳۸۳) برای کل آزمون، سبک دوسوگرا، اجتنابی و ایمن به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۳، ۰/۸۱، ۰/۷۷ به دست آمد که پایایی مطلوبی را نشان می‌دهد. به علاوه، اعتبار محتوایی و صوری آن، توسط چند تن از متخصصان روان شناسی (اساتید دانشگاه اصفهان) مورد تأیید قرار گرفت.

روش تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار SPSS ۱۶، مورد استفاده قرار گرفت.

میزان پرخاشگری، به صورت میانگین ± انحراف معیار SD ± mean بیان شده است.

همچنین جهت مقایسه میزان پرخاشگری در گروه‌های مختلف از آزمون ANOVA، وهمچنین جهت مقایسه نوع پرخاشگری در گروه‌های مختلف از آزمون square-Chi، استفاده شد.

value P < ۰/۰۵، معنی‌دار تلقی می‌شد.

یافته‌ها

در مطالعه حاضر در جمعیت نمونه که برابر با ۱۳۱ دانش‌آموز (۶۹ دختر و ۶۲ پسر) می‌باشند، میانگین پرخاشگری ۷۷/۲۳ با انحراف معیار ۱۸/۰۹ به دست آمد.

الف) یافته‌های توصیفی

جدول ۱ فراوانی نوع پرخاشگری در جمعیت نمونه و جداول ۲ و ۳ فراوانی، میانگین و انحراف معیار نمره پرخاشگری را به ترتیب در سبک‌های فرزند پروری و سبک‌های دلبستگی نشان می‌دهد.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

ب) استنباط یافته‌ها

در جدول ۴ به دلیل بالاتر از ۵ نبودن ۸۰٪ از خانه‌های جدول از فرایند ادغام استفاده شد و بدین ترتیب دو ستون پرخاشگری درون‌ریزی شده و بهنجار با هم گزارش گردید.

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، value P < ۰/۰۰۱ به دست آمد که با قرار گرفتن در سطح معنی‌دار ۰/۰۵، معنی‌دار تلقی شده و تأیید می‌شود. نتایج حاصل از آزمون square-Chi، بیانگر آن است که در شیوه فرزند پروری مقتدرانه، ۹۳ نفر (۸۶/۹٪) از آزمودنی‌ها فرزندانشان در گروه بهنجار و پرخاشگری درون‌ریزی شده قرار می‌گیرد و تنها ۱۴ نفر (۱۳/۱٪) از آزمودنی‌ها، فرزندانشان در گروه پرخاشگری برون‌ریزی شده جای دارند، و از طرفی در شیوه فرزند پروری استبدادی، ۸ نفر (۶۱/۵٪) از آزمودنی‌ها دارای فرزند پرخاشگر برون‌ریز و ۵ نفر (۳۸/۵٪) از آزمودنی‌ها، دارای فرزندان بهنجار و فرزندان با پرخاشگری درون‌ریزی شده هستند. لذا تفاوت معنی‌داری بین سبک‌های مختلف فرزند پروری در بروز و توزیع فراوانی پرخاشگری دیده می‌شود.

نتیجه آزمون دقیق فیشر برای جدول بالا قبل از ادغام ستون‌ها برابر با ۳۴/۰۴۰ و پس از ادغام دو ستون بهنجار و درون‌ریز برابر با ۱۸/۲۹۷ به دست آمد و در هر دو حالت سطح معنی‌داری بالاتر از ۰/۰۵ قرار داشت.

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، پرخاشگری درون‌ریزی شده بیشترین فراوانی را در نوجوانان واجد دلبستگی دوسوگرا (۲۳/۵ ٪)، و پرخاشگری برون‌ریزی شده بیشرین توزیع فراوانی را در نوجوانان واجد دلبستگی اجتنابی (۵۰ ٪) و در نهایت، نوجوانان بهنجار بیشترین توزیع فراوانی را در سبک دلبستگی ایمن (۷۹٪) به خود اختصاص می‌دهند. نتیجه آزمون square -Chi با value P = ۰/۰۰۱، کمتر از ۰/۰۵ بوده و معنی‌دار تلقی می‌شود. لذا تفاوت معنی‌داری بین سبک‌های فرزند پروری و بروز انواع مختلفی از پرخاشگری وجود دارد.

نتیجه آزمون دقیق فیشر برای جدول ۵ برابر با ۸/۸۰۹ با سطح معنی‌داری بالاتر از ۰/۰۵ به دست آمد.

و نیز نتیجه آزمون ANOVA برای سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی به ترتیب با value P = ۰/۱۰ و value P = ۰/۱۲و عدد فیشر۲/۲۸۳= F و F = ۲/۰۸۵ با درجه آزادی ۲، در سطح معنی‌دار ۰/۰۵ قرار نگرفته و معنی‌دار تلقی نمی‌شود. لذا تفاوت معنی‌داری در توزیع فراوانی میزان پرخاشگری در سبک های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی به دست نیامد.

در توزیع تغییرات واریانس، این تغییرات بدین شکل هستند:

برای والدین با مدرک تحصیلی دیپلم و پایین‌تر ۶۰٪ والدین با مدرک تحصیلی لیسانس ۲۵٪ و در نهایت والدین با مدرک تحصیلی فوق لیسانس و دکتری ۱۵٪ واریانس کل را توزیع می‌دارند.

در ضمن تحلیل این موضوع مبتنی بر آماره واریانس نیست بلکه ما در پی یافتن فراوانی‌ها بوده‌ایم که براساس آماره دقیق فیشر و ادغام ستون‌ها گزارش‌ها ارائه گردید که تأییدی بر توان آزمون استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش، با value P > ۰/۰۰۱ و F = ۱۸/۲۹۷ تفاوت معنی‌داری بین سبک‌های مختلف فرزند پروری در توزیع فراوانی پرخاشگری نشان می‌دهد. نوجوانان پرخاشگر (درون‌ریز و برون‌ریز) کمتری در والدین با شیوه فرزند پروری مقتدرانه نسبت به والدین با شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه و استبدادی دیده می شوند. در خانواده‌های مقتدر، احترام به قوانین، احترام به حقوق اشخاص، بحث و تبادل نظر وجود دارند. این نتایج، با پژوهش پیرزو اندرسون (۲۰۰۰) همخوانی

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

دارد. آنها تأکید می‌کنند که بین الگوهای رفتارهای خشن در فرزندان و شیوه‌های فرزند پروری والدین رابطه معناداری وجود دارد (به نقل از حمید رضائیان، ۱۳۸۳) [۱۷].

و همچنین با تحقیق دوینگ و همکاران (۲۰۰۰)، همجواری دارد که نشان می‌دهد والدین سهل انگار (چون هیچ‌گونه کنترل بیرونی بر فرزندان خود ندارند و اجازه می‌دهند هر کاری که تمایل دارند انجام دهند) فرزندانشان بیشتر در خطر ابتلا به اختلالات رفتاری برون‌ریزی شده، نظیر رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه و رفتارهای ضد اجتماعی قرار می‌گیرند (به نقل از حجازی، الهه، سلامی، نگهبان، ۱۳۸۷) [۱۸].

در پژوهشی، بامریند (۱۹۹۸) با تأیید تأثیر فرزندپروری والدین بر پرخاشگری فرزندان، خاطر نشان کرد که فرزندان والدین آسان‌گیر، در کنترل تکانه‌های خود مشکل دارند و هنگامی که از آنها خواسته می‌شود کاری را انجام دهند که با علایق زودگذر آنها مخالف است، نافرمانی و پرخاشگری می‌کنند. علاوه بر این، افرادی پرتوقع هستند (به نقل از باقر پور، ۱۳۸۴) [۱۹].

برک طی پژوهشی عنوان می‌کند که سلامت ابعاد شخصیتی نوجوانان به کیفیت تعامل‌های خانوادگی بستگی دارد و سبک شیوه‌های فرزند پروری در شکل‌گیری نوع تعامل خانوادگی مؤثر است (برک، ۲۰۰۷، ترجمه سیدمحمدی). پژوهش‌های دیگری نظیر پژوهش‌های (ارون، ۱۹۷۱، ارون و هاسمن، ۱۹۸۴ [۲۰]، لفکوویتز،۱۹۷۷، [۲۱] پترسن، جی، آر، ۱۹۸۹) با تأیید بر ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و پرخاشگری عنوان می‌دارند، تنبیه بدنی به خصوص اگر مکرر و بی حساب کتاب اعمال شود موجب بروز پرخاشگری شدید و خصومت در کودک خواهد شد.

بیابانگرد (۱۳۷۸) [۱۲] نیز عنوان می‌کند، فقدان کنترل از جانب والدین با سطوح بالاتر پرخاشگری و ناسازگاری در فرزندان همراه است و سخت‌گیری و کنترل همراه با تنبیه شدید نیز با عدم رشد اخلاقی رابطه دارد و منجر به سرکشی و نافرمانی نوجوان می‌شود.

در نتیجه پژوهش حاضر و پژوهش‌های قبلی متعددی نظیر بامریند (۱۹۶۹)، در می‌یابیم که والدین با شیوه فرزندپروری مقتدرانه، بیشتر فرزندانی بهنجار دارند که مستقل بوده و برای کلیه رفتارهای خود اندیشه می‌کنند. آنها در مقیاس‌هایی چون فعال بودن، اعتقاد به خود، استقلال رأی و خود داری، رتبه بالایی را کسب می کنند. این نوجوانان، واقع‌گرا، با کفایت و خشنود توصیف شده‌اند.

و نیز بر اساس نتایج حاصله با value P = ۰/۰۰۱ و F = ۸/۸۰۹ تفاوت معنی‌داری بین سبک‌های دلبستگی و بروز انواع مختلفی از پرخاشگری به دست آمد. پرخاشگری درون‌ریزی شده، بیشتر در نوجوانانی با سبک دلبستگی دوسوگرا، و برعکس، پرخاشگری برون‌ریزی شده، بیشتر در نوجوانانی با سبک دلبستگی اجتنابی، و حالت بهنجار، بیشتر در نوجوانان با سبک دلبستگی ایمن دیده می‌شود. در زمینه دلبستگی، پژوهش‌های پیشین و مطالعه حاضر نشان می‌دهند که دلبستگی ایمن، رفتارهای سازگارانه، توانایی در کنترل، تنظیم مؤثر هیجانات و روابط بین فردی کارآمدتری را باعث می‌شوند. و از طرف دیگر، دلبستگی ناایمن، مشکلات رفتاری، علائمی از خشم و خود کنترلی پایین‌تر و انواع ناسازگاری-ها را پیش‌بینی می‌کند.

این یافته، با تحقیقات شری و نیکولز (۲۰۰۵) [۲۲] که نشان دادند دلبستگی اولیه کودک تأثیر بسیار مهمی روی رفتار پرخاشگری و بزهکاری فرد و تثبیت و تداوم آن در بزرگسالی دارد، همخوانی دارد.

در پژوهشی نیز، آدام و همکاران (۱۹۹۵) [۲۳] نشان دادند که پیامد سبک دلبستگی، علاوه بر اینکه بروز پرخاشگری را مشخص می‌کند، نوع آن را نیز تعیین می کند و همچنین کاسیدی و بِرلین (۱۹۹۴) [۲۴] نشان دادند که احساس طرد کودک و نوجوان در دلبستگی ناایمن اجتنابی، منتهی به یک پرخاشگری می‌شود. به این دلیل که ناراحتی که او در نگاه والدین احساس می‌کند، به طرف یک شخص دیگر چون همسالان برمی‌گردد. ولی برعکس، در دلبستگی از نوع دوسویه، کودکان یا نوجوانان برای جلب یک توجه نسبی والدین، بایست درماندگی و اضطراب خود را اغراق کنند، چیزی که در وجود آنها اختلال‌های افسردگی و اضطرابی پدید می‌آورد (من، ۱۹۹۱) [۲۵].

محقیقین به طور مکرر، ارتباط میان سبک دلبستگی اجتنابی و رفتارهای ضداجتماعی و مخرب (پرخاشگری برون‌ریزی شده) را گزارش کرده‌اند (برلین وهمکاران [۱۰]، به نقل از استاین و هرویتز، ۱۹۹۶).

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

تحقیق دیگری که به بررسی ارتباط بین نوع دلبستگی کودک و رفتارهای ضد اجتماعی او پرداخته است، نشان می‌دهد که در بازی گروهی، دختران ناایمن اجتنابی، مشکلات رفتاری و پرخاشگری بیشتر نسبت به دختران با سبک دلبستگی ایمن داشتند (فاگوت و کاوانا، ۱۹۹۰).

در پژوهش دیگری نیز کونز و استرن (۱۹۹۶) نشان دادند، فرزندانی که به والدینشان نزدیک‌تر بوده و اتکای بیشتر و دلبستگی ایمن داشتند توسط دوستانشان کمتر خصمانه معرفی می‌شوند و سرانجام افرادی که روابط مضطربانه با والدینشان داشتند دارای خود کنترلی کمتری بودند (به نقل از سیفی گندمانی، ۱۳۸۷) [۲۶].

ترنر (۱۹۹۳) [۲۷] نیز در پژوهشی نشان داد، پسرهای نوجوان با سبک دلبستگی ناایمن (دو سوگرا یا اجتنابی)، پرخاشگرتر و کنترل‌کننده‌تر بوده و رفتار جلب توجه بیشتری نسبت به نوجوانان با سبک دلبستگی ایمن دارند.

پژوهش‌های زیادی نظیر پژوهش (برنان، ۱۹۹۳ [۲۹]، به نقل از پلاترو همکاران، ۲۰۰۲)، (هان و بورک،۲۰۰۲)، (پیوردی و دونی، ۲۰۰۲)، (گرینبرگ، ۱۹۹۹) [۳۰]، (لیونز، روث، آلپرن، رپاچولی، ۱۹۹۳)، (داونی و فلدمن، ۱۹۹۶)، (ورسیکون و مارکوئن، ۲۰۰۰)، (آلن و همکاران، ۱۹۹۸) [۳۱]، (پتیتی، ۱۹۹۱)، (ویلسون، ۲۰۰۱)، (کوباک و همکاران، ۱۹۹۹) [۳۱] و ... ارتباط معنی‌دار بین انواع سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری را تأیید می‌کنند.

و همچنین نتایج پژوهش حاضر با value P = ۰/۱۰ برای سبک‌های فرزندپروری و value P = ۰/۱۲ برای سبک‌های دلبستگی، تفاوت معنی‌داری را در توزیع میزان پرخاشگری در این دو سبک از الگوی والدینی، نشان نداد. اختلاف معنی‌داری بین، میزان پرخاشگری در نوجوانانی که دارای والدین با شیوه فرزندپروری دموکراتیک هستند نسبت به نوجوانانی که دارای والدین با شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و دیکتاتورند، به دست نیامد.

یافته پژوهش حاضر در این فرضیه، برخلاف پژوهش‌های متعددی نظیر بامریند (۱۹۶۷)، جرالد پترسون و همکاران (۱۹۸۰)، اولونوس (۱۹۸۰)، بیابانگرد (۱۳۷۸) می‌باشد. این پژوهش‌ها عنوان می‌کنند که فرزندپروری‌هایی که بافقدان کنترل و همچنین سطوح بالایی از کنترل همراه‌اند، نظیر فرزند پروری سهل‌گیرانه و مستبدانه، با سطوح بالاتری از پرخاشگری و ناسازگاری همراه است.

با توجه به بالا بودن شیوع فراوانی شیوه فرزندپروری مقتدرانه نسبت به سایر شیوه‌ها در داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها در مطالعه حاضر، عدم ارتباط معنی‌دار بین شیوه‌های فرزندپروری و میزان پرخاشگری، می‌تواند به دلیل محدودیت مطالعه در مصاحبه و مشاهده مستقیم و استفاده از پرسشنامه باشد، بالاخص که والدین پرسشنامه فرزندپروری را در منزل بدون نظارت لازم پاسخ دادند. و نیز تصور ذهنی مبنی بر مطلوب بودن ویژگی‌های فرزندپروری مقتدرانه، می‌تواند سبب سوگیری نسبت به واقعیت‌های عملی در پاسخگویی به پرسشنامه از جانب والدین شده باشد.

به طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که روش‌های تربیتی و راه‌های ارتباطی و عاطفی والدین و نیز میزان پذیرا بودن و کنترل‌کننده بودن آنها، سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی را تشکیل می‌دهند و تأثیر به سزایی در شکل‌گیری شخصیت، هویت اجتماعی، عادات و رفتارها، شیوه‌های واکنش‌دهی و حل مسأله، بالاخص سازگاری و بردباری و رفتارهای خصومت‌آمیز و پرخاشگرانه فرزندان دارند.

محدودیت-ها و پیشنهاد-ها

در پژوهش حاضر نیز به دلیل وجود موانع و نبود امکانات برای اجرای مصاحبه یا به کار بردن روش مستقیم به اجبار از پرسشنامه استفاده شد و نیز، پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری در منزل پاسخ داده شد و نظارت بر آن اعمال نشد، از محدودیت‌های دیگر پژوهش می‌توان به تعیین افراد نابهنجار برای گرفتن آزمون توسط گزارش مربیان مدرسه اشاره کرد که احتمال خطا را در آزمون بالا می‌برد. به همین سبب، باتوجه به محدودیت‌های ذکر شده، پیشنهاد می‌شود برای به دست آوردن نتایج صحیح-تر به همراه پرسشنامه از مصاحبه بالینی استفاده شود و نیز جهت بررسی سبک فرزندپروری از پرسشنامه فرزندپروری ادراک شده استفاده گردد که توسط فرزندان پاسخ‌دهی می‌شود، و همچنین پیشنهاد می‌گردد، روش‌های عینی چون آزمون جایگزین گزارش نحوه عملکرد شود.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

جدول ۱- توزیع فراوانی نوع پرخاشگری در جمعیت نمونه		
نوع پرخاشگری	فراوانی	فراوانی نسبی
درون ریزی(نابهنجار)	۱۶	۱۲/۲
برون ریزی(نابهنجار)	۲۷	۲۰/۶
بهنجار	۸۸	۶۷/۲
جمع کل	۱۳۱	۱۰۰

جدول ۲- فراوانی، میانگین و انحراف معیار نمره پرخاشگری در شیوه های فرزند پروری					
شیوه فرزند پروری		فراوانی	فراوانی نسبی	میانگین	انحراف معیار
میزان پرخاشگری	استبدادی	۱۳	۹/۹	۸۳/۹۲	۲۱/۷۸
	سهل گیرانه	۱۱	۸/۴	۸۴/۷۲	۱۳/۰۹
	مقتدرانه	۱۰۷	۸۱/۷	۷۵/۶۵	۱۷/۸۲
	کل	۱۳۱	۱۰۰	۷۷/۲۳	۱۸/۰۹

جدول ۳- فراوانی، میانگین و انحراف معیار نمره پرخاشگری در شیوه های دلبستگی					
شیوه دلبستگی		فراوانی	فراوانی نسبی	میانگین	انحراف معیار
میزان پرخاشگری	ایمن	۸۱	۶۱/۸	۷۴/۷۲	۱۷/۹۹
	دوسوگرا	۳۴	۲۶/۰	۸۱/۰۲	۱۷/۲۲
	اجتنابی	۱۶	۱۲/۲	۸۱/۸۷	۱۹/۲۲
	کل	۱۳۱	۱۰۰	۷۷/۲۳	۱۸/۰۹

جدول ۴- نتایج آزمون Chi-square بر توزیع فراوانی انواع پرخاشگری در شیوه‌های فرزند پروری			
نوع پرخاشگری / شیوه فرزندپروری	درون ریز و بهنجار	برون ریز	کل

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

استبدادی	فراوانی	۵	۸	۱۳
	فراوانی نسبی	۳۸/۵	۶۱/۵	۱۰۰
سهل گیرانه	فراوانی	۶	۵	۱۱
	فراوانی نسبی	۵۵/۵	۴۵/۵	۱۰۰
مقتدرانه	فراوانی	۹۳	۱۴	۱۰۷
	فراوانی نسبی	۸۶/۹	۱۳/۱	۱۰۰
کل	فراوانی	۱۰۴	۲۷	۱۳۱
	فراوانی نسبی	۷۹/۴	۲۰/۶	۱۰۰

۰/۰۰۱ > value P square-Chi

جدول ۵-نتایج آزمون square-Chiبر توزیع فراوانی انواع پرخاشگری درشیوه های دلبستگی

نوع پرخاشگری / شیوه دلبستگی		درون ریزی	برون ریزی	بهنجار	کل
ایمن	فراوانی	۵	۱۲	۶۴	۸۱
	فراوانی نسبی	۶/۲	۱۴/۸	۷۹/۰	۱۰۰
دوسوگرا	فراوانی	۸	۷	۱۹	۳۴
	فراوانی نسبی	۲۳/۵	۲۰/۶	۵۵/۹	۱۰۰
اجتنابی	فراوانی	۳	۸	۵	۱۶
	فراوانی نسبی	۱۸/۸	۵۰/۰	۳۱/۳	۱۰۰
کل	فراوانی	۱۶	۲۷	۸۸	۱۳۱
	فراوانی نسبی	۱۲/۲	۲۰/۶	۶۷/۲	۱۰۰

۰/۰۰۱= value P square-Chi

مراجع

1- Masterson J., «Treatment of borderline adolescents». New York: Wiley- Interscience, 1972.

2- Sarabian S., “Adolescence, Troubles de comportement, et Pratiques professionnelles “. Verlag: Éditions Universitaires Européennes, 2012

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

3- Mussen, P. H.; Kagan, J.; Huston, A.; Conger, J. J. (2000). Child development and personality. Translated by: Mahshid Yasai. Tehran: Markaz publisher.

4- Ellis, A. (1998). Anger, how to live with and without it. New York: JAICO publishing bous.USA.

5- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. Development Psychology Monographs.

6- Mehrabizadeh A, Abolghasemi A, Najjarian B. Epidemiology of Test Anxiety and its relation with self efficacy: Test anxiety control through focusing on intelligence variable. Journal of Education and Psychology. 2002;3:55-73.(Persian).

7- Bowlby, J. (1973). Attachment and loss: Vol. separation, anxiety and anger. London. The Hogarth press and the institute of psycho-Analysis.

8- Khanjani, Zeynab. (2003). Attachement pathology and developement from childhood through adolescence, Iran, Tabriz: Forouzesh. (persian).

9 - Rubin, K. H., Hymel, S., Mills, R. S. L. & Rose-Krasnor, L. (1991).Conceptualizing different developmental pathways to and from social isolation in childhood. In D. Cicchetti& S. L. Toth (Éds), Internalizing and externalizing expression of disfonction: Rochester symposium on developmental psychopathology (vol.2), (pp. 91-122). Rochester: University of Rochester Press.

10- Berlin, L. J. & Cassidy, J. and Belsky, Y (1995). Loneliness in young children and infant mother attachment: A Longitudinal Study- Merrill palmer Q. 41, 91-103.

11 - Patterson, G. R. (1980). Treatment for children with conduct problems: A review of outcome studies.

12-Biabangard, Esmaeil, (2005), Psychology of Teenagers, Tehran: NashreFarhangeEslami. (Persian).

13- Arnold H. Buss (2000) The Aggression Questionnaire. Los Angeles, CA: Western PsychologicalServices.

14- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. Journal of Early Adolescence, 11(1), 56-95.

15- Hazan, C. P, Shaver, P (1990) Romantic love Conceptualized as on attachment process.

16- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality.

17- Rezaeian H. (2007). Evaluation of casual model of family variables and self- understanding with conduct disorders. Hakim Medical Journal. Issue 3. Page 32. (Persian).

18- Elahe Hejazi moughari, Mehrnaz Shahraray, Masomeh Farsinejad , Ali Asgary, identity styles and academic achievement mediating role of academic self - efficacy, Social Psychology of Education, 2009, 12, 123-135. (persian).

19- Ali Akbar Karimi. (2010). The relationship between family functioning with identity styles and religious orientation of 3rd grade of High school students. University of Tehran Faculty of psychology and education

20- Huesmann, Rowell & Eron, Leonard D.(1984). Cognitive processes and the persistence of aggressive behavior. Department of Psychology, University of Illinois at Chicago. Volume 10, pages 243-251.

21 - Lefkowits, M.M. Eron, L.D. Walder, L.O. & Husmann, L.R. (1977). Growing up to be violent: A longitudinal study of the development of aggression. New York. Pergamon.

22- Nicols, Sheree (2005) the effect of early childhood attachment on delinquency and behavior and the continuance in to adulthood, M. A., East Tennesses State Universit.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]

23- Adam K., Sheldon Keller A. &West M. (1995): "Attachment Organisation and Vulnerability to Loss, Separation, and Abuse in DisturbedAdolescents" in Goldberg S., Muir R., Kerr J. (eds); Attachment Theory, Social Developmental and Clinical Perspective Analytic Press; Hillsdale NJ.

24- Cassidy J., & Berlin L.J., (1994). The insecure/ambivalent pattern of attachment: Theory and research. Child Development, 65, 971-991.

25- Main M. (1991) «Metacognitive knowledge, metacognitive monitoring, and singular (coeherent) vs. multiple (incoherent) model of attachment». In Parkes C.M., Stevenson-Hinde J., Marris P., Attachment across life cycle. Routledge, London-New York.

26- Mohammad Yasin Seifi Gandomani. (2009) Typology of family parenting style (combination of maternal and paternal parenting styles) and its effect on male adolescents› anxiety and depression: A new approach to parenting. Journal of Fundamentals of Mental Health. Issue43. Page185. (Persian).

27- Turner A. Chandler M, Heffer W. (2009) the influence of parenting styles achievement motivation and self-efficacy on academic performance in college students. J College Student Development; 50(3): 337-34.

28- Brennan, K. A; Shaver, P.R. & Tobey, A. E (1992). Attachment styles, gender and parental problem drinking, Journal of social and personal relationship 8(4), 451-460.

29- Greenberg, M.T. (1999). Attachment and psychopathology in childhood.In J. Cassidy & P. Shaver (Eds.), Handbook of attachment.

30- Allen, J. P., & Etal. (1998) Attachment and adolescence psychological functioning, "child development" .Vol 69 (5).

31- Koback, R. R. (1999). The emotionaldynamics of dis ruption in attachment relationship: Implication foe theory, and clinical intervention. Inj. Cassidy & shaver (Eds), Hand book of attachment (21-44). New York, NYL: Guilford press.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-09-08]